



10.30495/jscc.2023.1981467.2094

The role of police-society media interaction in achieving security and cooperative order Study case of Tabriz metropolis

Nusrat Ghorbanin¹

*Soroush Fathi^{*2}*

Iqbaleh Aziz Khani³

(Receipt: 2023.03.14- Acceptance:2023.06.03)

Abstract

Today, crime statistics show the increase and complexity of all kinds of crimes in the world. Although one of the most common methods of providing social security is the use of coercive factors: but experience has proven that despite the rapid availability of security of this type, its stability and durability are few and insignificant. The stability and sustainability of security can only be achieved through its institutionalization in a society, a sense of participation and public responsibility for social security. The purpose of the current research is to "investigate the role of police-society media interaction in achieving security and participatory order in the metropolis of Tabriz". The quantitative research method is a survey type and at the causal level. The statistical population is the citizens of Tabriz over 15 years old, which is a total of 1.593.373 people. The sample size was 720 people based on Cochran's formula and the selection was done by multi-stage cluster sampling method. The quantitative research method is a survey type and at the causal level. The tool for collecting information is a questionnaire made by the researcher; Its validity was calculated and confirmed by Cronbach's alpha through face validity and reliability experts. To analyze the data, structural equation modeling test with covariance approach was used using AMOS software. The results show that the direct effect of the police-society media interaction variable on cooperative security and order ($P < 0.05$, $Z = 6.878$, $Z=0.42$) is positive and significant.

Key Words:

police-community media interaction, collaborative security, collaborative order

1. Ph.D. student of Sociology, Khalkhal Branch, Islamic Azad University, Khalkhal, Iran

2. Associate Professor of Sociology, West Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

*. Corresponding Author: fathi.soroush@wtiau.ac.ir

3. Assistant Professor of Sociology, Khalkhal Branch, Islamic Azad University, Khalkhal, Iran.



10.30495/jsec.2023.1981467.2094



نقش تعامل رسانه ای پلیس - جامعه در تحقق امنیت و انتظام مشارکتی مورد مطالعه کلان شهر تبریز

نصرت قربانیان^۱، سروش فتیحی^{۲*}، اقباله عزیز خانی^۳

(دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۲۳ - پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۰۳/۱۳)

چکیده

امروزه آمار و ارقام وقوع جرم بیانگر افزایش و پیچیده‌تر شدن انواع جرائم در جهان است. اگرچه یکی از متداول‌ترین شیوه‌های تأمین امنیت اجتماعی، استفاده از عوامل قهرآمیز است؛ اما به تجربه ثابت شده است به‌رغم سریع‌الوصول بودن امنیت از این نوع، پایداری و دوام آن کم و ناچیز است. ثبات و پایداری امنیت تنها از رهگذر نهادینه کردن آن در یک جامعه احساس مشارکت و مسئولیت عمومی در قبال امنیت اجتماعی حاصل می‌شود. هدف پژوهش حاضر " بررسی نقش تعامل رسانه‌ای پلیس - جامعه در تحقق امنیت و انتظام مشارکتی در کلان شهر تبریز " هست. روش تحقیق کمی از نوع پیمایشی و در سطح علی است. جامعه آماری شهروندان بالای ۱۵ سال تبریز می‌باشند که جمعاً ۱۰۵۹۳۰۳۷۳ نفر می‌باشد. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۷۲۰ نفر و گزینش به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انجام شد. روش تحقیق کمی از نوع پیمایشی و در سطح علی است. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته است؛ که اعتبار آن از طریق اعتبار صوری و توسط متخصصان امر و پایایی از آلفای کرونباخ محاسبه و تأیید شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها م از آزمون مدل یابی معادلات ساختاری با رویکرد کواریانس محور با استفاده از نرم افزار AMOS استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد که اثر مستقیم متغیر تعامل رسانه‌ای پلیس - جامعه بر امنیت و انتظام مشارکتی ($\beta = ۰/۴۲$ ، $Z = ۶/۸۷۸$ ، $P < ۰/۰۵$) مثبت و معنادار است.

واژه‌های کلیدی: تعامل رسانه‌ای پلیس - جامعه، امنیت مشارکتی، انتظام مشارکتی

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، واحد خلخال، دانشگاه آزاد اسلامی، خلخال، ایران. ghorbaniannosrat@gmail.com

۲. دانشیار گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

* نویسنده مسئول: fathi.soroush@wtiau.ac.ir

۳. استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد خلخال، دانشگاه آزاد اسلامی، خلخال، ایران. azizkhani.aukh@yahoo.com

مقدمه

امروزه امنیت پدیده‌ای چندبعدی در نظر گرفته می‌شود که دامنه وسیعی از مفاهیم از جمله امنیت فیزیکی-مالی، امنیت روحی- روانی و احساس امنیت نسبت به آینده را در برمی‌گیرد؛ مفاهیمی که به تدریج در زندگی مردم اهمیت قابل توجهی یافته‌اند و در تعامل با سایر وجوه توسعه اجتماعی اهمیتی مضاعف به خود گرفته‌اند (شی هان، ۲۰۲۰). امنیت اجتماعی، چیزی نیست جز حالتی از آسودگی مردم از ترس، تهدید و اضطراب و مصون ماندن جان، مال، ناموس، هویت و اعتقادات آنان از هرگونه تهدید و تعرض مفروض است (سروستانی، ۱۳۹۴).

از سوی دیگر با تحولاتی که تقریباً به صورت مشترک در تمامی جهان رخ داده است، مشارکت مردم در تمامی عرصه‌های حکومتی ضروری شده و در نتیجه مشارکت مردم در نظم و امنیت نیز جایگاه والاتری یافته است. بنابراین هرچند ایجاد نظم و امنیت فلسفه وجودی پلیس را تشکیل می‌دهد، اما به نظر می‌رسد که پلیس با مشارکت جدی و فعال مردم می‌تواند به این مهم دست یابد، زیرا ایجاد نظم و امنیت، وظیفه کلیه افراد جامعه است که پلیس انحصار اعمال آن را در اختیار دارد و می‌تواند با روش‌های مطلوب به آن برسد. بدین ترتیب از مهم‌ترین اهداف در فرایند برنامه‌ریزی شهری برای شهر سالم، کاهش جرائم و جنایت‌ها در محیط‌های شهری به‌ویژه در حومه‌های شهری جدید و تحقق امنیت اجتماعی و انتظام مشارکتی است.

امنیت و انتظام مشارکتی در واقع حرکت و عبور از شیوه سنتی (واکنشی و مبتنی بر وقوع حادثه) به سوی شیوه فعال مبتنی بر حل مسئله است که با مشارکت واقعی مردم صورت می‌پذیرد. در این میان رسانه‌ها به عنوان بخشی از سامان‌دهنده افکار عمومی و ابزاری در جذب مشارکت‌های همگانی و ارتقاءدهنده سطح منزلت اجتماعی و ایجاد رفتاری درمان‌گر در نزد جامعه نسبت به پلیس و پلیس نسبت به مردم هستند که باید با در نظر گرفتن تکنیک‌های زیباشناسی، فرم و ارکان مستتر در محتوای پیام را نسبت به تنوع و تعدد مخاطب بیان کنند؛ که اگر این نشود، کارکرد ضدتبلیغ و مشوش‌کننده افکار عمومی رسانه‌ها بیش از سازندگی‌اش شود.

امروز آمار و ارقام وقوع جرم، بیانگر افزایش و پیچیده‌تر شدن انواع جرائم در جهان است. اگرچه یکی از متداول‌ترین شیوه‌های تأمین امنیت اجتماعی، استفاده از عوامل قهرآمیز است: تجارب پلیس نشان می‌دهد که به‌رغم سریع‌الوصول بودن امنیت از این نوع، پایداری و دوام آن کم و ناچیز است. ثبات و پایداری امنیت تنها از رهگذر نهادینه کردن آن در یک جامعه، احساس مشارکت و مسئولیت عمومی در قبال امنیت اجتماعی حاصل می‌شود (احمدی و دستور، ۱۴۰۰).

لذا بر اساس شواهد استنباط می‌شود که تعامل رسانه‌ای پلیس و جامعه نقش اساسی در تحقق پیش شرط‌های امنیت خواهد داشت. رسانه‌های جمعی همواره و در هر عصر و زمانی در شکل‌دهی و هدایت جوامع و مردمان آن نقش داشته و در برآورده کردن نیازهای گوناگون آنها، همچون نیازهای اطلاعاتی، آموزشی، تربیتی، سرگرمی و جهت‌دهی افکار عمومی بسیار مؤثر بوده‌اند. در سال‌های اخیر اهتمام نیروی انتظامی جمهوری اسلامی به مقوله مشارکت مردمی در امنیت افزایش یافته است. بی‌گمان برای استمرار و توفیق طرح‌ها و مأموریت‌های این نهاد، به همیاری و مشارکت شهروندان نیاز است. در حوزه نظم و امنیت، طرح‌های مشارکتی به دنبال آفریدن فرصت‌های بیشتر دخالت مردم در نظم و امنیت و افزایش اعتماد متقابل میان پلیس و مردم است. در کشورهای مختلف دنیا (از جمله ژاپن، هلند و انگلیس) طرح‌های متعددی با این هدف به اجرا درآمده است که در جهت مقصود خود توفیق داشته‌اند. این کشورها در تبدیل پلیس از سازمانی متمرکز، دولتی و سیاست‌گرا به نیرویی مشارکت‌جو، اجتماع‌محور و فرهنگ‌گرا، دستاوردهای قابل‌ذکری داشته‌اند (عنبری و فیروزجاییان اصغر ۱۳۸۸).

مشارکت در تامین امنیت، دخالت دادن افراد در تامین نظم بوده و درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گروهی است که آنان را بر می‌انگیزد تا برای دستیابی به هدف‌های گروهی یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند (رحمتی، و فیروز جاییان، ۱۳۸۸). در دنیای رسانه‌ای شده امروز، نقش رسانه‌ها در این میان اساسی و قابل‌تأمل است. بنابراین پیش‌فرض پژوهش بر این است که جلب مشارکت مردم در ایجاد امنیت اجتماعی به‌عنوان اساسی‌ترین هدف پلیس به مدد رسانه‌های اجتماعی قابل‌دسترس‌تر می‌گردد. بنابراین سؤال پژوهش این است که، مناسب‌ترین مدل برای تبیین نقش تعامل رسانه‌ای پلیس - جامعه در تحقق امنیت و انتظام مشارکتی شهروندان تبریز به چه صورت است؟

پیشینه:

پورمنافی، لطفی و گودرزی (۱۳۹۶) در پژوهش "کارکرد مشارکت‌های عمومی در اجرای مأموریت پلیس امنیت اخلاقی" نشان می‌دهند که، هرچه میزان چهار کارکرد (سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی) در زمینه مشارکت‌های عمومی بیشتر باشد، به همان نسبت در انجام مأموریت‌های محوله به پلیس امنیت اخلاقی تأثیرگذارتر خواهند بود. نتایج کلی نشانگر این است که: چنانچه پلیس به قید فوریت به خواسته‌های مردم پاسخ داده و موجبات رضایتمندی و اعتماد دوسویه در میان اقشار جامعه و خود را فراهم نماید و از طرفی با گسترش سطح فرهنگ اسلامی و

جو اعتقادی حاکم بر جامعه، و همچنین استفاده از تبلیغات مناسب؛ می‌توان زمینه افزایش مشارکت مردم با پلیس را ایجاد نمود.

هندیانی و وطن خواه (۱۳۹۹) نشان دادند که سازوکارها و الزامات مشارکت اطلاعاتی مردم در تعامل با نیروی انتظامی از کیفیت کارکردهای این سازمان‌ها در سطوح مختلف به‌خصوص سطوح تصمیم‌گیری و عملیاتی آن‌ها تأثیر می‌پذیرد که نهایتاً در سرمایه اجتماعی این سازمان‌ها یعنی اعتماد عمومی تبلور پیدا می‌کند، بنابراین اگر اعتماد مردم به نیروی انتظامی افزایش یافته و سایر شرایط قانونی و ساختاری لازم نیز فراهم شود، اقبال و مشارکت هدفمند مردم در امور اطلاعاتی و امنیتی بهبود خواهد یافت.

عبدی و کاشف (۱۳۹۴) به بررسی راهکارهای توسعه مشارکت مردم با ناجا در طرح ارتقای امنیت اجتماعی پرداختند. یافته‌ها تحقیق نشان داد که بین متغیرهای "میزان آگاهی شهروندان از محتوای طرح امنیت اجتماعی، نحوه عملکرد پلیس در اجرای این طرح و دست‌آخ‌اینکه شهروندان تهرانی چقدر اجرای این طرح را متناسب با منافع خود ارزیابی می‌کنند" با متغیر وابسته (میزان مشارکت شهروندان) در سطح ۹۵٪ اطمینان رابطه معنادار آماری وجود دارد.

عروقی، خانی و هزارجریبی (۱۳۹۷) نتیجه گرفتند که، ضعف نهادهای مدنی در جلب مشارکت مردمی و آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی سبب می‌شود ایجاد فضای امن شهری با چالش روبه‌رو شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند توجه متولیان امنیت به متغیرهای بررسی شده می‌تواند به بهبود امنیت به‌ویژه امنیت مشارکتی در فضای شهر کمک زیادی کند. عاب مرادی (۱۳۹۶) نتیجه می‌گیرند که بین میزان مشارکت مردمی و احساس امنیت همبستگی بالایی وجود دارد. احمدی و دستور (۱۴۰۰) به نقش ارتقاء مشارکت اجتماعی شهروندان بر سرمایه اجتماعی پلیس در شهرستان ساری پرداختند. یافته‌ها نشان می‌دهد که مشارکت اجتماعی و مؤلفه‌های آن بر سرمایه اجتماعی اثر مثبت و معناداری دارد. همچنین براساس آزمون فریدمن، مسئولیت ذهنی در اولویت اول قرار دارد، در نتیجه بیش‌ترین اثر را بر سرمایه اجتماعی شده دارد و مسئولیت عینی در رتبه دوم قرار دارد در نتیجه کم‌ترین اثر را بر سرمایه اجتماعی در شهروندان دارد. هرچه میزان مشارکت اجتماعی در سطح رسمی و غیررسمی در جامعه بیش‌تر باشد به همان میزان سرمایه اجتماعی نیز بیش‌تر خواهد بود.

دیگر، دن برینک و میجر (۲۰۲۰) در پژوهشی چنین مطرح کردند که، سازمان‌های عمومی معمولاً هنگام اتخاذ و استفاده از رسانه‌های اجتماعی برای برقراری ارتباط و تعامل با عموم مردم با موانع زیادی روبرو می‌شوند. این تحقیق باهدف درک بهتر چگونگی مقابله با موانع پذیرش

شبکه‌های اجتماعی با رویکرد خاص به یک نوع سازمان خاص (پلیس) انجام می‌شود. تحقیقات به این سؤال پاسخ می‌دهد: نیروهای پلیس با چه اثری موانع تصویب رسانه‌های اجتماعی را با سیاست‌های رسانه‌های اجتماعی مدیریت می‌کنند؟ در وهله اول، با مرور سیستماتیک مطالعات قبلی با استفاده از گونه‌ای از موانع پذیرش ICT، این مطالعه انواع موانعی را که پلیس اغلب با آن‌ها روبرو است شناسایی می‌کند. در مرحله دوم، با تجزیه و تحلیل کیفی دو مورد پیشرو، انگلستان و هلند، این مطالعه تجزیه و تحلیل می‌کند که چگونه سیاست‌های رسانه‌های اجتماعی این موانع را برطرف می‌کنند و می‌توانند به آن‌ها کمک کنند. تجزیه و تحلیل تجربی نشان می‌دهد که برای پرداختن به موانع پذیرش شبکه‌های اجتماعی، ترکیبی از اکتشاف و بهره‌برداری برای رفع موانع ساختاری و فرهنگی در برابر پذیرش رسانه‌های اجتماعی مورد نیاز است. ما استدلال می‌کنیم که این متناسب با رویکرد "بتا دائمی" است: نوآوری فن‌آوری مداوم نیاز به ظرفیت سازمان دارد تا به‌طور مداوم با تغییرات اجتماعی - فنی سازگار شود.

بالاک (۲۰۱۸) با تکیه بر مطالعه موردی پلیس عمومی در انگلستان، به این موضوع می‌پردازد که آیا رسانه‌های اجتماعی در حال تغییر یا عادی‌سازی ارتباطات و افزایش مشارکت شهروندان هستند. با این استدلال که رسانه‌های اجتماعی هنوز در خدمت تسهیل تعامل بین پاسان‌ها و شهروندان به روش‌های پیشنهادی و مورد نظر قرار نگرفته‌اند، این مقاله عواملی را در نظر می‌گیرد که پتانسیل تحول‌آفرین رسانه‌های اجتماعی را ساختار می‌دهد. استدلال می‌شود که استفاده از رسانه‌های اجتماعی توسط نگرانی‌های سازمانی و شغلی موجود پلیس انجام می‌شود. این مقاله نشان می‌دهد که چگونه تعاملی از پویایی‌های سازمانی، فناوری و فردی و فرهنگی باهم ترکیب می‌شوند تا نحوه استفاده از رسانه‌های اجتماعی در پلیس را شکل دهند.

بی. ویلیامز و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی رفتار ارتباطی و استراتژی‌های تعامل را در استفاده دوجانبه از رسانه‌های اجتماعی بین سازمان‌های اجرای قانون و جوامعی که آن‌ها خدمت می‌کنند، بررسی کردند. نتایج نشان می‌دهد که پلیس از رسانه‌های اجتماعی به‌صورت تعاملی استفاده می‌کند، که می‌تواند با گذشت زمان، اهداف پلیس در جامعه را پیش ببرد.

چارچوب نظری

چارچوب نظری پژوهش شامل تلفیق نظریه‌های "رسانه‌ها، شکل‌گیری و دگرگونی افکار عمومی (فردیناند و تونیس)، رهیافت اجتماع‌گرایی (السدیر مک اینتایر، مایکل ولرز، چارلز تیلور، مایکل سندل) و همراهی دولت و افراد جامعه در تحقق امنیت اجتماعی (مولار) " هست.

نظریه رسانه‌ها، شکل‌گیری و دگرگونی افکار عمومی (فردیناند تونیس) ارتباط را محور شناخت و ارزیابی جوامع می‌داند. وی تعداد جوامع را طبق این معیار با عنوان جامعه معنوی^۱ و جامعه صوری^۲ مورد بررسی قرار می‌دهد. وی ارتباط را محور شناخت و ارزیابی جوامع می‌داند و تفکیک‌پذیری وظایف را نه در سازمان و یا ساخت نهادی جوامع بلکه در روابط میان از او جستجو می‌کند. نظریه تونیس با تکفیک دو نوع جامعه آغاز می‌شود (محسنی، ۱۳۷۰: ۶۲).

۱. اجتماع یا جامعه معنوی (گمن شافت)

۲. جامعه صوری (گزل شافت)

از نظر تونیس جامعه معنوی دارای ویژگی‌های اراده ارگانیک، ارتباطات عمیق، امتداد تاریخی ارتباط، کوچکی جمع و ارتباط تام می‌داند. جامعه صوری دارای ویژگی‌های وسعت، اراده اندیشیده، بی‌نامی، ارتباط سطحی است. هرکدام از جوامع معنوی و صوری نوع ارتباط انسانی خاص خود را دارد.

ارتباط منطقی: ارتباط فاقد اثر هاله روانی است. نفع مادی ملاک قضاوت انسان‌ها است.

اگرچه تونیس هرگز از توالی زمانی و تقدم و تأخر این دو جامعه صحبت نکرده است، لیکن از فحوای کلامش، حسرت دنیای خاص جامعه معنوی مشهود است. چراکه چنین به نظر می‌آید که از دیدگاه وی پیدایی عصر جدید و جامعه صنعتی هم با مصرف انبوه^۳ و هم تولید انبوه^۴ به‌نوعی به امحای هویت فردی و گروهی منتهی می‌شود. پیدایی توده‌هایی عظیم و دست‌کاری^۵ آنان از طریق وسایل سهمگین ارتباطات، به‌ویژه در خدمت بخش خصوصی و منافع آن به فرآیند توده‌سازی^۶ در جامعه نو منتهی می‌شود (ساروخانی، ۱۳۷۷: ۵۸-۵۵).

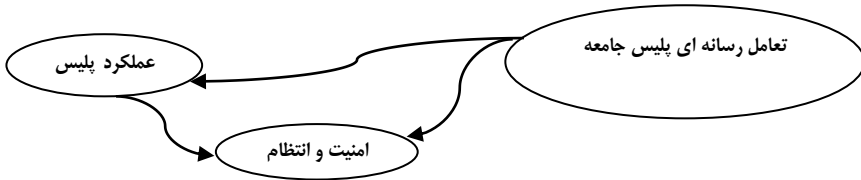
«به نظر مولار امنیت اجتماعی مقوله‌ای است که افراد و دولت به همراه یکدیگر در تأمین آن سهیم و شریک هستند و از این‌رو، به تدریج و همگام با غیرقابل تفکیک شدن دولت و جامعه از

1. Geminschaft
2. Gesellschaft
3. mass consumption
4. mass production
5. manipulation
6. massification

یکدیگر، همین حالت در خصوص ناامنی آن دو مصداق پیدا می‌کند. در حال حاضر با توجه به کاهش کنترل حکومت‌ها بر جوامع خود، ظهور جنبش‌های جدایی‌طلب، فراملی، افزایش روزافزون مهاجرت و جریان حرکت پناهندگان و چهارچوب‌های در حال تحول داخلی و خارجی بررسی روابط دولت و مردم امری اجتناب‌ناپذیر است. و تعریف گفتمان جدید امنیتی برای تنظیم روابط میان مردم و دولت‌ها در قالب گروه‌های اجتماعی ضروری می‌باشد. وی در همین راستا مفهوم امنیت اجتماعی را بیان می‌کند. مولار تأکید دارد که امنیت اجتماعی را به‌عنوان یک مفهوم فرضی برای هر جمع انسانی به کاربرد. و آن را عبارت می‌داند از قابلیت حفظ شرایط قابل‌پذیرش داخلی برای تکامل الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، انجمن‌ها، مذهب، هویت ملی و رسوم. بدین ترتیب امنیت جوامع آشکارا با امنیت سیاسی پیوند دارد، اما مجزا از آن است. امنیت سیاسی به ثبات سازمانی کشورها، نظام‌های دولت و ایدئولوژی‌های که به دولت‌ها و حکومت‌ها مشروعیت می‌بخشد، مربوط می‌شود اما امنیت اجتماعی به بقای گروه‌هایی توجه دارد که به جهت اشتراک اعضای آن در اندیشه، احساس و اعمال، کلیت یکپارچه‌ای را تشکیل می‌دهند که از آن به‌عنوان هویت یاد می‌شود» (بیات، ۱۳۸۸: ۸۴-۸۳).

«اندیشمندانی چون السدیر مک اینتایر، مایکل ولرز، چارلز تیلور، مایکل سندل رویکرد اجتماع‌گرایی به‌نوعی معنا، مرجع و سازوکارهای تحقق امنیت پایدار ملی را تغییر داده است. به‌گونه‌ای که در تعبیر جدید از امنیت، علاوه بر نقش دولت، بر نقش جامعه تأکید می‌شود. امنیت فقط دفع یا فقدان تهدید نیست، بلکه تعقیب مداوم و مرتب ایمنی، از طریق اقدام مثبت و پیشگیرانه است که امنیت را در پی می‌آورد. «در چهره جدید امنیت، جامعه به‌عنوان مرجع مستقل و دولت به‌عنوان متغیر وابسته امنیت، فرض می‌شود و آسیب‌پذیری یا انسجام داخلی، بیش از تهدید خارجی مطرح نظر است و در نهایت، متغیرهایی چون تساهل نسبت به شهروندان، شناسایی حقوق طبیعی بشر و سرمایه اجتماعی بیش از کنترل شهروندان انکار حقوق بشر و اعمال ترس و خشونت، منجر به امنیت پایدار ملی می‌شود. این نوع انگاره با اندیشه رئالیست‌ها که امنیت را به فقدان تهدید، تقلیل می‌دهند و به‌جای توانمندسازی کنشگران اجتماعی بر دفاع و صیانت از آن‌ها تأکید می‌کنند، تفاوت ماهوی دارد. اجتماعی‌گرایان بر حفظ و توجه به سنت‌ها و اخلاق و این‌که هر سنت بر مبنای زمینه و بافت مرتبط به آن باید مورد توجه قرار گیرد، تأکید دارند. با توجه به این سازوکارها جدول زیر به مقایسه نگاه اجتماع‌گرایان و لیبرالیست‌ها در مورد امنیت می‌پردازد (غفاری، ۱۳۹۰: ۱۲۶).

مدل مفهومی:



روش تحقیق:

روش تحقیق کمی از نوع پیمایشی و در سطح علی است. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته است؛ که اعتبار آن از طریق اعتبار صوری و توسط متخصصان امر و پایایی از آلفای کرونباخ محاسبه و تأیید شد.

ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته است؛ که در سطوح مختلف سنجش طراحی شده است. برخی سؤالات مطرح شده در پرسشنامه به صورت مقیاس های چند گویه ای مطرح شده است، که علاوه بر بالا بردن میزان پاسخ گوئی هم امکان شناخت مقاصد ذهنی فراهم می کند و هم امکان سنجش متغیرها در سطح فاصله ای و در نتیجه امکان بکار گیری آزمونه ای پیشرفته آماری را فراهم می سازد. روایی ابزار از طریق اعتبار صوری توسط متخصصین امر تأیید و پایایی از تکنیک آلفای کرونباخ محاسبه و تغییرات لازم انجام و گویه های مشکل دار تعدیل گردید.

جدول ضرایب آلفای کرونباخ

نتیجه گیری	سطح معنی داری	متغیر
✓ تایید	۰/۰۶۸	تعامل رسانه ای پلیس-جامعه
✓ تایید	۰/۰۷۳	عملکرد پلیس
✓ تایید	۰/۰۵۹	امنیت و انتظام مشارکتی

با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف مشخص شد که تمامی متغیرها نرمال هستند؛ به همین دلیل برای تجزیه و تحلیل داده ها می توان از آزمون مدل یابی معادلات ساختاری با رویکرد کواریانس محور استفاده نمود. مدل یابی معادلات ساختاری با رویکرد کواریانس محور با استفاده از نرم افزار AMOS انجام گرفت.

جامعه آماری تحقیق حاضر شامل شهروندان بالای ۱۵ سال تبریز می‌باشند که جمعاً ۱۰۵۹۳،۳۷۳ می‌باشد. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۷۲۰ نفر برآورد شد. برای انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده می‌گردد.

$$n = \frac{Nt^2 pq}{Nd^2 + t^2 pq} = \frac{370 \times (1.96)^2 \times 0.5 \times 0.5}{370 \times (0.05)^2 + (1.96)^2 \times 0.5 \times 0.5} = 720$$

یافته‌ها:

نتایج آمار توصیفی حاصل از بررسی داده‌های پرسشنامه شامل متغیرهای میانگین، انحراف معیار، چولگی، کشیدگی در جدول (۴-۴) نشان داده شده است.

جدول ۱: آماره‌های توصیفی برای متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	چولگی	کشیدگی	بیشترین	کمترین
تعامل رسانه ای پلیس-جامعه	2/998	0/570	0/059	-0/076	4/53	1/31
عملکرد پلیس	2/946	0/539	0/210	0/755	5/00	1/36
امنیت و انتظام مشارکتی	3/347	0/763	-0/058	0/460	5/00	1/00

میانگین نمرات کسب شده افراد برای سوالات متغیر آگاهی بخشی شبکه‌های اجتماعی برابر ۲/۹۹۸ با انحراف معیار ۰/۵۷۰ بود. چولگی داده‌ها برابر ۰/۰۵۹ و کشیدگی برابر ۰/۰۷۶- برآورد گردید. کمترین نمره برابر ۰/۳۱ و بیشترین نمره ۴/۵۳ بود. میانگین نمرات کسب شده افراد برای سوالات متغیر ارتقای سطح مشارکت مردمی برابر ۲/۹۴۶ با انحراف معیار ۰/۵۳۹ بود. چولگی داده‌ها برابر ۰/۲۱۰ و کشیدگی برابر ۰/۷۵۵ برآورد گردید. کمترین نمره برابر ۰/۳۶ و بیشترین نمره ۵ بود. میانگین نمرات کسب شده افراد برای سوالات متغیر بهبود عملکرد پلیس در تأمین امنیت اجتماعی برابر ۳/۳۴۷ با انحراف معیار ۰/۷۶۳ بود. چولگی داده‌ها برابر ۰/۰۵۸- و کشیدگی برابر ۰/۴۶۰ برآورد گردید. کمترین نمره برابر ۱ و بیشترین نمره ۵ بود.

تعداد آزمودنی‌هایی که در این تحقیق شرکت کرده‌اند بر اساس حجم نمونه که در فصل قبل ارائه شده، ۷۲۰ نفر می‌باشند بنابراین هیچ داده گم‌شده‌ای نداریم به عبارت دیگر اطلاعات مذکور برای تمامی افراد مورد مطالعه به طور کامل ثبت شده‌اند. چولگی و کشیدگی برای تمامی متغیرها در بازه استاندارد و پذیرفته شده +۱ تا -۱ قرار دارد که نشان‌دهنده توزیع داده شبیه نرمال است.

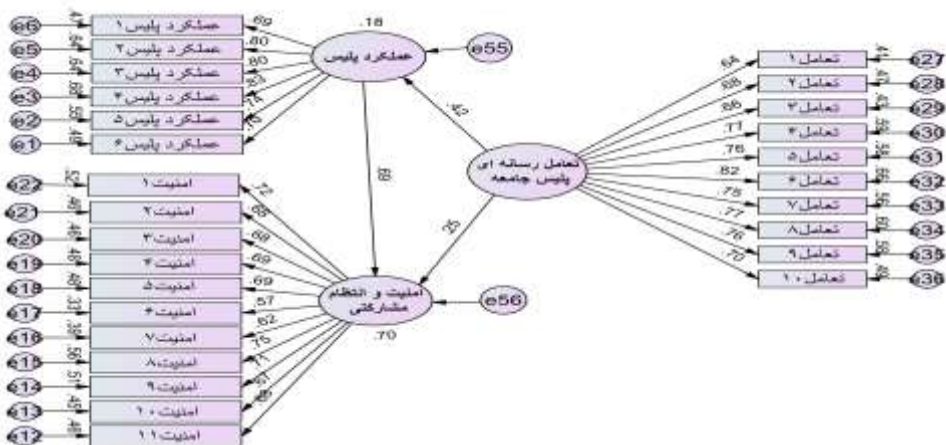
جدول ۲: آزمون نرمال بودن (کولموگروف-اسمیرنوف) برای مؤلفه های پژوهش

متغیر	آماره آزمون	سطح معنی داری	نتیجه گیری
تعامل رسانه ای پلیس - جامعه	۰/۵۲	۰/۰۵	✓ نرمال
امنیت و انتظام مشارکتی	۰/۰۶۸	۰/۰۵	✓ نرمال

با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف مشخص شد که توزیع تمامی متغیرها نرمال هستند. به همین دلیل برای تجزیه و تحلیل داده‌ها می‌توان از آزمون مدل‌یابی معادلات ساختاری با رویکرد کواریانس محور استفاده نمود. مدل‌یابی معادلات ساختاری با رویکرد کواریانس محور با استفاده از نرم افزار AMOS انجام گرفت.

شاخص‌های ارزیابی مدل ساختاری

پس از تایید پرسشنامه‌ها نوبت به آزمون مدل پژوهش در قالب یک مدل تحلیل عاملی تاییدی می‌رسد که باید مشخص شود که بار عاملی و همبستگی بین شاخص‌های آن در سطح قابل قبول است. به این منظور ابتدا مدل از نظر شاخص‌های مورد نظر ارزیابی می‌شود.



شکل ۲: ارزیابی بارهای عاملی مدل ساختاری

همان طوری که در شکل فوق مشاهده می‌کنیم همبستگی بین متغیرها بیشتر از ۰/۹ نمی‌باشد بنابراین نیاز به ادغام یا حذف آن‌ها نیست. همچنین با توجه به شکل فوق مشاهده می‌نماییم که

تمامی بارهای عاملی بزرگتر از ۰/۵ می‌باشد که نشان می‌دهد تمامی گویه‌ها از روایی عاملی مناسبی برخوردار می‌باشند.

با توجه به اینکه بارهای عاملی سوالات از مقدار مورد قبول ۰/۵ بزرگتر هستند از مدل حذف نخواهند شد.

شاخص‌های نیکویی برازش مدل ساختاری

جدول زیر شاخص‌های برازش مدل بعد از اصلاح را به همراه مقادیر مطلوب نشان می‌دهد.

جدول ۳: شاخص‌های نیکویی برازش عملکرد پلیس در امنیت اجتماعی

نام شاخص	مقدار مطلوب	مقدار نمایش داده شده در مدل
درجه آزادی (df)	-	320
کای اسکوئر (χ^2)	$2 \text{ df} \leq \chi^2 \leq 3 \text{ df}$	969/4
نیکویی برازش (GFI)	۰/۸ به بالا	0.831
ریشه میانگین مربعات باقی مانده (RMR)	زیر ۰/۰۹	0.065
شاخص برازش تطبیقی (CFI)	۰/۹ به بالا	0.984
ریشه‌ی میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA)	زیر ۰/۰۸	0.071
شاخص نیکویی برازش ایجازی (PCFI)	بین ۰/۶ تا ۱	0.815
شاخص برازش ایجازی هنجار شده (PNFI)	بین ۰/۶ تا ۱	0.776

با توجه به نتایج جدول فوق، همان‌طور که مشاهده می‌گردد اکثر شاخص‌های نیکویی برازش در ناحیه پذیرش قرار دارند. بنابراین سوالات مدل ساختاری از برازش مناسب برخوردار است. اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کلی متغیرهای مکنون

جدول زیر اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کلی متغیرهای مکنون در مدل مورد بررسی را نشان می‌دهد. به این منظور از ضرایب مسیر استاندارد شده و استاندارد نشده همراه با مقدار خطا و آماره استفاده شد.

جدول ۴: ضرایب مسیر اثر مستقیم متغیرهای مکنون بر یکدیگر

سطح معناداری	ضرایب مسیر			مسیرها
	مقدار Z	پارامتر استاندارد نشده	پارامتر استاندارد شده	
۰/۰۰۱	۶/۸۷۸	۰/۵۶	۰/۴۲	تعامل رسانه ای پلیس-جامعه -- < امنیت و انتظام مشارکتی
۰/۰۰۱	۳/۹۱۳	۰/۳۶	۰/۲۵	تعامل رسانه ای پلیس-جامعه -- < بهبود عملکرد پلیس
۰/۰۰۱	۱۰/۸۴	۰/۷۴	۰/۶۹	امنیت و انتظام مشارکتی -- < بهبود عملکرد پلیس در تأمین امنیت اجتماعی

نتایج بدست آمده از آزمون مدل فوق نشان می‌دهد (جدول ۴-۱۳) که اثر مستقیم متغیر آگاهی بخشی شبکه‌های اجتماعی بر ارتقای سطح مشارکت مردمی ($\beta=0/42$ ، $Z=6/878$ ، $P < 0/05$) مثبت و معنادار است. همچنین نتایج حاکی از آن است که اثر مستقیم متغیر آگاهی بخشی شبکه‌های اجتماعی بر بهبود عملکرد پلیس در تأمین امنیت اجتماعی ($\beta=0/25$ ، $Z=4/913$ ، $P < 0/05$) مثبت و معنادار است. همچنین نتایج نشان داد که اثر مستقیم متغیر ارتقای سطح مشارکت مردمی بر بهبود عملکرد پلیس در تأمین امنیت اجتماعی ($\beta=0/74$ ، $Z=10/842$ ، $P < 0/05$) مثبت و معنادار است.

اثر غیرمستقیم متغیرهای مکنون بر یکدیگر

نتایج جدول ۴-۱۳ نشان داد که اثرات مستقیم در بین متغیرها بر قرار است. بنابراین امکان بررسی روابط میانجی بین متغیرها وجود دارد. جدول ۴-۱۴ اثر غیرمستقیم متغیرهای مکنون بر یکدیگر را نشان می‌دهد.

جدول ۴: اثر غیرمستقیم متغیرهای مکنون بر یکدیگر

مسیر	ضرایب مسیر		تعامل رسانه ای پلیس-جامعه -- < امنیت و انتظام مشارکتی -- < بهبود عملکرد پلیس در تأمین امنیت اجتماعی
	پارامتر	پارامتر	
سطح معناداری	استاندارد نشده	استاندارد شده	
۰/۰۰۱	۰/۶۸	۰/۵۷	

نتایج بدست آمده از آزمون مدل ساختاری نشان داد که اثر متغیر آگاهی بخشی شبکه‌های اجتماعی بر بهبود عملکرد پلیس در تأمین امنیت اجتماعی از طریق متغیر میانجی ارتقای سطح مشارکت مردمی ($\beta=0/57$ ، $P < 0/05$) مثبت و معنادار است.

اثرات میانجی متغیرها

نتایج بدست آمده از آزمون مدل فوق نشان می‌دهد اثر متغیر آگاهی بخشی شبکه‌های اجتماعی بر بهبود عملکرد پلیس در تأمین امنیت اجتماعی از طریق متغیر میانجی ارتقای سطح مشارکت ($\beta=0/57$ ، $P < 0/05$) مثبت و معنادار است. آزمون سوبل جهت بررسی معناداری اثر متغیرهای میانجی در رابطه غیرمستقیم متغیرهای مستقل و وابسته در رگرسیون (نرم‌افزار SPSS) و مدل ساختاری (نرم‌افزار AMOS) استفاده می‌شود. اثر غیرمستقیم متغیرهای مستقل و وابسته یک برآورد خاص نمونه از اثر غیرمستقیم در جامعه است که در معرض واریانس نمونه‌گیری قرار دارد. با داشتن برآوردی از خطای استاندارد متغیرهای مستقل و وابسته و توزیع نمونه‌گیری متغیرهای مستقل

و وابسته می‌توان یک سطح معناداری برای رابطه غیرمستقیم متغیرهای مستقل و وابسته به دست آورد. به‌طور کلی در آزمون سوبل می‌توان از تخمین نرمال برای بررسی معناداری رابطه استفاده کرد. با داشتن برآورد خطای استاندارد اثر غیرمستقیم می‌توان فرضیه صفر را در مقابل فرض مخالف آزمون کرد. آماره Z برابر است با نسبت متغیرهای مستقل و وابسته به خطای استاندارد آن. در آزمون سوبل، یک سطح معناداری از طریق فرمول زیر بدست می‌آید که در صورت بیشتر شدن این مقدار از $۱/۹۶$ می‌توان در سطح ۹۵ درصد معنادار بودن اثر متغیرهای میانجی در رابطه غیرمستقیم متغیرهای مستقل و وابسته را تایید نمود.

$$Z - value = \frac{a*b}{\sqrt{(b^2*s^2a)+(a^2*s^2b)}}$$

$$Z = \frac{.۰۴۲*۰.۶۹}{\sqrt{(.۰۰۴۷*۰.۰۰۶۷)+(۰.۱۷۶*۰.۰۰۴۶)}} = 4/5724$$

با توجه به نتایج آزمون سوبل، نقش میانجی ارتقای سطح مشارکت مردمی در رابطه بین آگاهی بخشی شبکه‌های اجتماعی و بهبود عملکرد پلیس در تأمین امنیت اجتماعی تایید شد.

آزمون فرضیه اول

عامل رسانه‌ای پلیس-جامعه بر امنیت و انتظام مشارکتی و بهبود عملکرد پلیس در تأمین امنیت اجتماعی شهروندان تیریز تأثیر دارند.

نتایج بدست آمده از آزمون مدل فوق نشان می‌دهد اثر متغیر آگاهی بخشی شبکه‌های اجتماعی بر بهبود عملکرد پلیس در تأمین امنیت اجتماعی از طریق متغیر میانجی ارتقای سطح مشارکت مردمی ($\beta = ۰/۵۷, P < ۰/۰۵$) مثبت و معنادار است. مقدار آماره سوبل برابر با $۴/۴۷۲$ برآورد گردید که از مقدار حد بحرانی $۱/۹۶$ در سطح اطمینان $۰/۹۵$ بزرگتر است بنابراین اثر میانجی متغیر ارتقای سطح مشارکت مردمی نیز پذیرفته شد.

آزمون فرضیه دوم

تأثیر تعامل رسانه ای پلیس-جامعه در بهبود عملکرد پلیس مستقیم و معنی‌دار است.

همچنین نتایج حاکی از آن است که اثر مستقیم تعامل رسانه ای پلیس-جامعه در بهبود عملکرد پلیس ($\beta = ۰/۲۵, Z = ۴/۹۱۳, P < ۰/۰۵$) مثبت و معنادار است. مقدار آماره Z برابر $۴/۹۱۳$ است و از مقدار حد بحرانی $۱/۹۶$ در سطح اطمینان $۰/۹۵$ بزرگتر است بنابراین نتایج آماری ناشی از

شانس یا تصادف نبوده است. بنابراین فرضیه پژوهش تایید و تعامل رسانه ای پلیس-جامعه در بهبود عملکرد پلیس مستقیم و معنی دار است.

آزمون فرضیه سوم

تأثیر امنیت و انتظام مشارکتی در بهبود عملکرد پلیس مستقیم و معنی دار است.

نتایج نشان داد که اثر مستقیم متغیر امنیت و انتظام مشارکتی بر بهبود عملکرد پلیس در تأمین امنیت اجتماعی ($\beta = 0/74$ ، $Z = 10/842$ ، $P < 0/05$) مثبت و معنادار است. مقدار آماره Z برابر $10/842$ است و از مقدار حد بحرانی $1/96$ در سطح اطمینان $0/95$ بزرگتر است بنابراین نتایج آماری ناشی از شانس یا تصادف نبوده است. بنابراین فرضیه پژوهش تایید تأثیر امنیت و انتظام مشارکتی در بهبود عملکرد پلیس مستقیم و معنی دار است.

بحث و نتیجه گیری

امروز ادارات پلیس در تمام زمینه‌های اجتماعی دستخوش تغییرات شگرفی شده‌اند و یکی از کاتالیزورهای اصلی این تغییرات، ظهور رسانه‌های اجتماعی بوده است. این نوآوری تکنولوژیکی بستری را فراهم کرده است تا به‌طور مؤثر ارتباط برقرار کنند و اطلاعات را با مردم به اشتراک بگذارند. همچنین رسانه‌های اجتماعی بر افزایش امنیت توسط پلیس تأثیر گذاشته و نحوه انجام وظیفه پلیس را متحول کرده است (دی باتینگ و چی نانه، ۲۰۲۰). امنیت از مهم‌ترین مقولاتی است که از دیرباز جزء مسئولیت دولت‌ها و نیروهای امنیتی به‌ویژه پلیس بوده است. امنیت را می‌توان موقعیتی خواند که در آن یک‌رشته خطرهای خاص، به حداقل رسیده یا با آن‌ها مقابله می‌شود. امروزه با تحولاتی که تقریباً به‌صورت مشترک در تمامی جهان رخ داده است، مشارکت مردم در تمامی عرصه‌های حکومتی ضروری شده و در نتیجه مشارکت مردم در نظم و امنیت جایگاه والاتری یافته است. در این میان در دنیای رسانه‌ای شده امروز، نقش رسانه‌ها در این میان اساسی و قابل تأمل است. هدف پژوهش حاضر " نقش تعامل رسانه‌ای پلیس-جامعه در تحقق امنیت و انتظام مشارکتی در مطالعه کلان شهر تبریز " هست. در این قسمت یافته‌های پژوهش که قبلاً ارائه شد؛ مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

-آزمون فرضیه اول نشان داد که، تعامل رسانه ای پلیس-جامعه بر امنیت و انتظام مشارکتی و بهبود عملکرد پلیس در تأمین امنیت اجتماعی شهروندان تبریز تأثیر دارند.

این نتیجه با یافته‌های پژوهش‌های "پورمنافی، لطفی و گودرزی (۱۳۹۶)، هندیانی و وطن خواه (۱۳۹۹)، عبدی و کاشف (۱۳۹۴)" تا حدودی همخوانی دارد. همچنین نظریه "امنیت اجتماعی مولار" یافته‌ها را تبیین می‌کند.

به نظر مولار امنیت اجتماعی مقوله‌ای است که افراد و دولت به همراه یکدیگر در تأمین آن سهیم و شریک هستند و از این رو، به تدریج و همگام با غیرقابل تفکیک شدن دولت و جامعه از یکدیگر، همین حالت در خصوص ناامنی آن دو مصداق پیدا می‌کند. در حال حاضر با توجه به کاهش کنترل حکومت‌ها بر جوامع خود، ظهور جنبش‌های جدایی طلب، فراملی، افزایش روزافزون مهاجرت و جریان حرکت پناهندگان و چهارچوب‌های در حال تحول داخلی و خارجی بررسی روابط دولت و مردم امری اجتناب‌ناپذیر است. تعریف گفتمان جدید امنیتی برای تنظیم روابط میان مردم و دولت‌ها در قالب گروه‌های اجتماعی ضروری می‌باشد. وی در همین راستا مفهوم امنیت اجتماعی را بیان می‌کند. مولار تأکید دارد که امنیت اجتماعی را به عنوان یک مفهوم فرضی برای هر جمع انسانی به کاربرد. و آن را عبارت می‌داند از قابلیت حفظ شرایط قابل پذیرش داخلی برای تکامل الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، انجمن‌ها، مذهب، هویت ملی و رسوم. بدین ترتیب امنیت جوامع آشکارا با امنیت سیاسی پیوند دارد، اما مجزا از آن است. امنیت سیاسی به ثبات سازمانی کشورها، نظام‌های دولت و ایدئولوژی‌های که به دولت‌ها و حکومت‌ها مشروعیت می‌بخشد، مربوط می‌شود اما امنیت اجتماعی به بقای گروه‌هایی توجه دارد که به جهت اشتراک اعضای آن در اندیشه، احساس و اعمال، کلیت یکپارچه‌ای را تشکیل می‌دهند که از آن به عنوان هویت یاد می‌شود.

آزمون فرضیه دوم نشان داد که، تأثیر تعامل رسانه‌ای پلیس-جامعه در بهبود عملکرد پلیس مستقیم و معنی‌دار است.

همچنین نتایج حاکی از آن است که اثر مستقیم متغیر آگاهی بخشی شبکه‌های اجتماعی بر بهبود عملکرد پلیس در تأمین امنیت اجتماعی مثبت و معنادار است. این نتیجه با یافته‌های پژوهش‌های "عروفی، خانی و هزارجریبی (۱۳۹۷)" تا حدودی همخوانی دارد. همچنین نظریه "اجتماع‌گرایی" یافته‌ها را تبیین می‌کند.

این رویکرد در اواخر دهه قرن بیستم مطرح شد، که در مواجهه با رویکرد لیبرالیستی به عنوان رویکرد غالب شناخته می‌شد. ادعای تازه‌ای در خصوص مفاهیم کلیدی علوم اجتماعی چون، جامعه، هویت، سنت، فردیت، خود، شهروندی، امنیت، توسعه و نظم مطرح می‌کند. «اندیشمندانی چون السدیر مک اینتایر، مایکل ولرز، چارلز تیلور، مایکل سندل از شارحان اصلی این رویکرد هستند که به صورت اساسی‌تر، منصفانه‌تر و غیرسیاسی‌تر، به انتقاد موازین لیبرالیستی پرداخته و بخشی از بحران

معنای موجود در جوامع سرمایه‌داری و چندپاره را، به برداشت غلط لیبرالیست‌ها نسبت می‌دهند. اجتماع گرایان با پذیرش اصل تعدد و تکثر و دیگری، با هر نوع سنت ستیزی در معنای شبیه‌سازی و یکسان‌سازی مخالفت نموده؛ به نظر آن‌ها نقش تعدد نه به‌عنوان معضل، بلکه به‌عنوان یک ارزش قابل احترام، مورد توجه بوده و بخشی از هویت فرد را تشکیل می‌دهد. از این منظر یکسان‌سازی سنت‌ها، فرهنگ‌ها، و تفاوت‌ها، نوعی تحمیل اکنون و آینده و گذشته است، آن‌هم گذشته‌ای که دلیلی بر فروتر بودن نسبت به اکنون نمی‌توان اقامه کرد. البته این به معنای محبوس شدن در گذشته‌گیرواقعی نسبت به قانون اصلی بحث مختار بودن خود در پذیرفتن تعددها بدون حذف دیگری است.» (افتخاری و همکار، ۱۳۸۵: ۱۹۹) اجتماع‌گرایان نسبت به انسان‌گرایی لیبرالیست‌ها انتقاد نموده‌اند، چراکه در عمل به نام انسان‌گرایی، به دفاع از کرامت شهری و مشارکت همگانی، شاهد نابرابری و تسلط عده معینی که چندان با معیارهای اخلاقی سرسازگاری ندارد، هستیم. از نظر اجتماع‌گرایان، آن‌چنان‌که از نام آن‌ها نیز برمی‌آید، فهم و هویت فرد در ساحت اجتماع شکل می‌گیرد. افراد در پرتو زندگی در جامعه است که استعداد شیوه زندگی و هویت خود را پیدا می‌کنند. از این منظر اجتماع‌گرایان با کارگزاری و عاملیت انسانی مبتنی بر عقل سلیم و فردگرایی موردنظر لیبرال‌ها مخالفت می‌کنند. هر چند که رویکردهای هر کدام، متمرکز بر یکی از ابعاد شده‌اند. «از نگاه اجتماع‌گرایان، شیوه نامنی اجتماعی و افزایش خشونت، جنایت و طلاق، در برخی جوامع، نتیجه این باور است که عقل انسانی به‌تنهایی و منفصل از سنت و اجتماع، قادر است ضمن محاسبه منافع و مضار هر عمل، بهترین را گزینش کند. به عقیدن مک اینتایر، دولت نمی‌تواند جامعه را به حال خود رها کند تا مردم به تنهایی، خودمختاری‌شان را متحقق ساخته و حقوق خود را به دست آورند، چنین وضعیتی پیش از هر چیزی، نوعی گسیختگی اجتماعی و فاجعه اخلاقی در پی می‌آورد و بنیان‌های داخلی امنیت را متزلزل می‌سازد» (نصری، ۱۳۸۱: ۱۲۱).

رویکرد اجتماع‌گرایی به‌نوعی معنا، مرجع و سازوکارهای تحقق امنیت پایدار ملی را تغییر داده است. به‌گونه‌ای که در تعبیر جدید از امنیت، علاوه بر نقش دولت، بر نقش جامعه تأکید می‌شود. امنیت فقط دفع یا فقدان تهدید نیست، بلکه تعقیب مداوم و مرتب ایمنی، از طریق اقدام مثبت و پیشگیرانه است که امنیت را در پی می‌آورد. «در چهره جدید امنیت، جامعه به‌عنوان مرجع مستقل و دولت به‌عنوان متغیر وابسته امنیت، فرض می‌شود و آسیب‌پذیری یا انسجام داخلی، بیش از تهدید خارجی مطرح نظر است و درنهایت، متغیرهایی چون تساهل نسبت به شهروندان، شناسایی حقوق طبیعی بشر و سرمایه اجتماعی بیش از کنترل شهروندان انکار حقوق بشر و اعمال ترس و خشونت، منجر به امنیت پایدار ملی می‌شود. این نوع انگاره با اندیشه رئالیست‌ها که امنیت را به فقدان تهدید،

تقلیل می‌دهند و به‌جای توانمندسازی کنشگران اجتماعی بر دفاع و صیانت از آن‌ها تأکید می‌کنند، تفاوت ماهوی دارد. اجتماعی‌گرایان بر حفظ و توجه به سنت‌ها و اخلاق و این‌که هر سنت بر مبنای زمینه و بافت مرتبط به آن باید مورد توجه قرار گیرد، تأکید دارند. با توجه به این سازوکارها جدول زیر به مقایسه نگاه اجتماع‌گرایان و لیبرالیست‌ها در مورد امنیت می‌پردازد. (غفاری، ۱۳۹۰: ۱۲۶)

-نتایج نشان داد که اثر مستقیم متغیر ارتقای سطح مشارکت مردمی بر بهبود عملکرد پلیس در تأمین امنیت اجتماعی مثبت و معنادار است.

این نتیجه با یافته‌های پژوهش‌های "عاب مرادی (۱۳۹۶)، حمدی و دستور (۱۴۰۰)، مطالعه هاشمیان فر و کشاورز (۱۳۹۱)، دیکر، دن برینک و میجر (۲۰۲۰)" تا حدودی همخوانی دارد. همچنین نظریه "سایبر سایکولوژی" یافته‌ها را تبیین می‌کند.

در سایبر سایکولوژی نیز متفکرانی چون جان سولر^۱ از دانشگاه ریدر و لئون جیمز از دانشگاه هاوایی فضای مجازی سایبر را دارای ویژگی‌های متمایزی می‌دانند که اثراتی متفاوت بر ذهن و رفتار آدمی می‌گذارد. از این میان، سولر "درگیری کمتر حواس"، "فضای غالب نوشتاری"، "انعطاف در هویت"، "تغییر و تعدیل ادراکات، تساوی در فرصت‌ها"، "برابری مکانی"، "انعطاف زمانی"، "کثرت اجتماعی"، "قابلیت ثبت و ضبط"، و "قطع ارتباط رسانه‌ای" را مهم‌تر می‌داند. سولر با مورد توجه قرارداد خاصیت "انعطاف زمانی" در واقع به امکان تأخیر در پاسخگویی به مخاطب در ارتباطات مجازی و قابلیت کش آمدن زمان اشاره دارد که در تعاملات حضوری نمی‌توان آن‌ها را یافت. وی بایان ویژگی "کثرت اجتماعی" تعدد روابط ممکن در فضای سایبر را مورد توجه قرار می‌دهد؛ تعددی که در عین حال نوعی محدودیت را نیز با خود دارد. ویژگی کثرت اجتماعی گویای آن است که در فضای سایبر (مثلاً در شبکه‌های اجتماعی) می‌توان سایر افرادی را که علایق مشترکی با ما دارند، شناسایی و به‌سوی خود جذب کرد و با آنان ارتباط برقرار کرد؛ تعاملی انتخابی که بسیاری مواقع ناشی از انگیزه‌های ناخودآگاه است. توانایی گلچین کردن مخاطبان از میان تعداد بسیار زیاد آن‌ها، که از دید روان‌شناسان با یک خصوصیت دیگر نیز همراه است و آن وضعیت‌هایی است که رایانه و اینترنت به وجود آورده و در زمان لازم به دلیل بروز مشکلات پیش‌بینی نشده نرم‌افزاری یا سخت‌افزاری نمی‌توانند پاسخگو باشند و در نتیجه ارتباط مختل می‌شود. این مسئله عموماً حالات روان‌شناختی همچون خشم، اضطراب، نگرانی و ناامیدی را به همراه دارد که از آن‌ها با عنوان

1 Rianne Dekker, Puck van den Brink, Albert Meijer

2 John Suler

تجربیات سوراخ سیاه فضای مجازی نامبرده می‌شود و درواقع به وابستگی و نیاز ما به ابزارهای این فضا اشاره دارند (سولر، ۲۰۰۵: ۱۰).

سولر با نگاه خاص به روابط مجازی نوشتاری می‌گوید این نوع روابط از دید برخی از افراد نسبت به روابط چهره به چهره قابل پیش‌بینی تر و امن تر هستند و به دلیل فقدان نشانه‌های چهره‌ای که گاهی استرس آور یا ناخوشایند می‌شوند، افراد در روابط نوشتاری مجازی می‌توانند به شکل مستقیم‌تری با سایرین رابطه یابند. صمیمیت در این نوع از روابط سریع‌تر شکل می‌گیرد و روابط نزدیک طبیعتاً به ملاقات‌های چهره به چهره نیز کشانده می‌شوند. ضمن اینکه ممکن است به طور کلی روابط مجازی آسان از بین بروند. با این حال، ترکیب روابط حقیقی و مجازی فرصت‌های بیشتر و متنوع‌تری را برای ارتباط در اختیار افراد مختلف قرار می‌دهد.

اما لئون جیمز در خصوص نقش رسانه اینترنت در ارتباطات بین فردی می‌گوید اینترنت راهی برای ارتباط بیشتر میان افراد است. به بیان دیگر، با استفاده از رایانه‌ها تبادل و تعاملی واقعی با سایرین از طریق ماشین برقرار می‌شود، نه اینکه ارتباطی ماشینی وجود داشته باشد. وی در مقایسه فضای سایبر با ذهن انسان معتقد است رایانه‌ها پیوستگی و گستردگی ذهن آدمی را با قدرت و به شکلی مناسب به نمایش می‌گذارند و فضای سایبر واقعیتی مجازی است که از طریق شبکه‌های رایانه‌ای ایجاد می‌شود. به همین دلیل ویژگی‌هایی مشابه و مطابق با ذهن آدمی دارد. همان‌طور که ذهن در هیچ فضای فیزیکی با خواص محدودکننده‌ای همچون وسعت، فاصله یا حجم نمی‌گنجد و از نظر زمانی و مکانی تماماً مجازی است، فضای سایبر نیز هیچ محدوده زمانی و مکانی را نمی‌شناسد. از سوی دیگر، فضای سایبر به‌طور کلی از دو جنبه به ذهن آدمی شباهت دارد: قابلیت تبادل و تعامل متقابل و نحوه سازمان‌دهی؛ این بدان معناست که هزاران نفر می‌توانند از هر مکانی به‌طور هم‌زمان یا در زمان‌های مختلف درباره موضوعی مشترک با یکدیگر تبادل و تعامل داشته باشند. فضای سایبر در واقع ذهنی همگانی است و به کارگیری این فضا و شرکت در آن به منزله ساز و کارهای رشد و بالندگی واقعیت مجازی به شمار می‌آید به اعتقاد لئون جیمز واقعیت مجازی فضای سایبر بسیار واقعی‌تر از واقعی است (جیمز، ۲۰۰۹: ۱۸).

از دیدگاه نظریه یادگیری اجتماعی، پدیده‌های اجتماعی به‌طور عمده ناشی از تجاربی است که بر پایه یادگیری نیابتی و مشاهده رفتار دیگران و پیامدهای آن شکل می‌گیرد. در مرکز این نظریه فرایند الگوسازی قرار دارد که در آن شخص رفتاری معرفتی و اجتماعی دیگران را با مشاهده، چه به‌طور تصادفی و چه آگاهانه یاد می‌گیرد (ساعتچی، ۱۳۷۷: ۹۹). بر اساس این نظریه، وسایل

ارتباطی جدید، الگوهای ارتباطی جدیدی به کاربران معرفی می‌کنند و کاربران نیز با مشاهده این الگوهای جدید رفتاری را یاد می‌گیرند.

پلیس به‌عنوان متولی امنیت در جامعه جایگاهی ویژه در کنترل و پیشگیری از جرم دارد؛ چراکه از یک‌سو، از نیروی اجبار کننده خود در جامعه استفاده می‌کند و از سوی دیگر به‌عنوان سازمان مدنی مطرح شده که حد فاصل حکومت و شهروندان قرار می‌گیرد؛ بنابراین سازمان پلیس برقرارکننده تعادل میان نظم و امنیت اجتماعی و مشارکت مدنی است. تأمین امنیت مردم بدون مشارکت آنان میسر نیست؛ بنابراین تبیین میزان تأثیرگذاری کارکرد مشارکت‌های عمومی در اجرای مأموریت (مبارزه با مشروبات الکلی، مفاسد فرهنگی و مفاسد اخلاقی) پلیس امنیت اخلاقی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده که مسئله اصلی تحقیق حاضر نیز همین موضوع است.

منابع و مأخذ:

- ادریسی، ا. و شجاعی، م. (۱۳۹۱). «بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی ساکنان در تحقق طرح‌های توسعه شهری، نمونه موردی: پیاده‌راه‌سازی حوزه تاریخی شهر تهران منطقه ۱۲»، فصلنامه برنامه‌ریزی، رفاه و توسعه اجتماعی، د ۴، ش ۱۳، ص ۱۵۸-۱۱۵.
- ترابی، ی. و گودرزی، آ. (۱۳۸۳). «ارزش‌ها و امنیت اجتماعی»، فصلنامه دانش انتظامی، معاونت اجتماعی ناجا، ش ۲۱، ص ۴۶-۳۱.
- ترابی، یوسف؛ و گودرزی، آیت. (۱۳۸۲). ارزش‌ها و امنیت اجتماعی، فصلنامه دانش انتظامی. سال ششم، شماره ۲. تهران: دانشگاه علوم انتظامی.
- جعفری، خدیجه، مسگرزاده، سجاد، میرزاخانی، محمد. (۱۳۹۷). عوامل تأثیرگذار بر امنیت اجتماعی شهروندان تبریز. مطالعات جامعه‌شناسی، (۳۸)، ۱۱، ص ۸۳-۶۱.
- حبیبی، م. ح. و سعیدی رضوانی، ه. (۱۳۸۵). «شهرسازی مشارکتی؛ تمایز مفهومی و ارزیابی تجربیات ایرانی»، نشریه صفا، د ۱۵، ش ۴۳، ص ۷۰-۵۰.
- دهقان، ع. ر. و غفاری، غ. ر. (۱۳۸۴). «تبیین مشارکت اجتماعی فرهنگی دانشجویان دانشگاه‌های علوم پزشکی شهر تهران»، مجله جامعه‌شناسی ایران، د ۶، ش ۱، ص ۹۸-۶۷.
- رخشانی نسب، حمیدرضا، و اسفندیاری مهنی، حمیده. (۱۳۹۳). تحلیل عوامل مؤثر بر احساس امنیت در بین شهروندان شهر زاهدان؛ با تأکید بر سرمایه اجتماعی، فصلنامه رفاه اجتماعی. سال چهاردهم، شماره ۵۵، صص ۱۳۴-۱۰۹.
- زیاری، ک؛ عیوضلو، د؛ عیوضلو، م. و جهانبخش، ر. (۱۳۹۲). «تحلیل تطبیقی احساس امنیت در فضاهای شهری و روستایی؛ مطالعه موردی شهرستان کوهدشت»، پژوهش‌های روستایی، س ۴، ش ۱، ص ۱۶۴-۱۳۷.
- ساروخانی، ب. (۱۳۷۰). فرهنگ علوم اجتماعی، تهران: نشر کیهان.
- صالحی امیری، سیدرضا؛ و افشاری نادری، افسر. (۱۳۹۰). مبانی نظری و راهبردی مدیریت ارتقای امنیت اجتماعی و فرهنگی در تهران. فصلنامه راهبرد. سال بیستم، شماره ۵۹، تابستان، صص ۷۶-۴۹.
- طوسی، م. ع. (۱۳۷۰). مشارکت در مدیریت و مالکیت، تهران: مرکز آموزش و مدیریت دولتی.
- علوی‌تبار، ع. ر. (۱۳۸۲). بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها، تهران: سازمان شهرداری‌ها و دهرداری‌های کشور.
- مهدی احمدی بالادهی، سید، دستور، علی. (۱۴۰۰). نقش ارتقاء مشارکت اجتماعی شهروندان بر سرمایه اجتماعی پلیس شهرستان ساری. نشریه علمی دانش انتظامی مازندران (۴۳)، ۱۳۹۹، صص ۴۶-۲۹.
- گلی، ع؛ قاسم‌زاده، ب؛ فتح‌بقالی، ع. و رمضان‌مقدم و اجارای، ی. (۱۳۹۴). «عوامل مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی زنان در فضاهای عمومی شهری؛ مطالعه موردی: پارک ائل‌گلی تبریز»، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، ش ۹۶، صص ۹۷-۹۷.
- میرموسوی، ع. (۱۳۷۵). «مبانی دینی و فرهنگ سیاسی مشارکتی»، مجله نقد و نظر، س ۲، ش ۸ و ۷، صص ۱۰۱-۸۶.
- نبوی، سیدعبدالحسن؛ و همکاران. (۱۳۸۹). بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی. سال بیست و یکم، شماره پیاپی ۴۰، شماره ۴، زمستان، صص ۹۶-۷۳.

نویدنیا، منیژه. (۱۳۸۵). تأملی نظری در امنیت اجتماعی؛ با تأکید بر گونه‌های امنیت، فصلنامه مطالعات راهبردی. سال نهم، شماره ۱، بهار.

هاشمیان‌فر، سیدعلی؛ و سادات کشاورز، زهرا. (۱۳۹۱). بررسی جامعه‌شناختی گستره احساس امنیت اجتماعی در شهر اصفهان، پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی. سال اول، شماره ۳، پاییز، صص ۳۹-۶۲

هزار جریبی، جعفر؛ و حامد، محبوبه. (۱۳۹۱). رابطه اعتماد اجتماعی و احساس امنیت در میان شهروندان تهرانی، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی. شماره ۱۲، صص ۵۷-۳۱.

پورمنافی، ابوالفضل، لطفی، علیرضا، گودرزی، یوسف. (۱۳۹۶). کارکرد مشارکت‌های عمومی در اجرای مأموریت پلیس امنیت اخلاقی (مورد مطالعه: پلیس امنیت اخلاقی فاتب). فصلنامه مطالعات اطلاعات و امنیت انتظامی، ۷(۲۲)، صص ۱۰۱-۱۳۳.

هندیانی عبدالله، وطن خواه حمید(۱۳۹۹). واکاوی چالش‌های نیروی انتظامی برای جلب مشارکت اطلاعاتی مردم در راستای افزایش امنیت اجتماعی. پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی، بهار ۱۳۹۹، دوره ۱۳، شماره ۱، پیاپی ۳۹، از صفحه ۹۱ تا صفحه ۱۱۴

عبدی رمضانعلی، کاشف حمیدرضا(۱۳۹۴). بررسی راهکارهای توسعه مشارکت مردم با ناجا در طرح ارتقای امنیت اجتماعی. مطالعات امنیت اجتماع، زمستان ۱۳۹۴، دوره ۲، شماره ۴۴، از صفحه ۳۹ تا صفحه ۵۵.

معروفی، محسن، خانی، اسعد، هزار جریبی، جعفر. (۱۳۹۷). بررسی مشارکت شهروندان در برقراری نظم و امنیت شهری و عوامل مرتبط با آن نمونه موردی: شهر ارومیه. پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران. 7(3), 17-32, doi: 10.22108/ssoss.2019.105867.1127

مرادی علی(۱۳۹۶). مطالعه بررسی نقش مشارکت شهروندان در تأمین احساس امنیت اجتماعی، انتظام اجتماعی، سال نهم زمستان ۱۳۹۶ شماره ۴.

Buzan, Barry. (1997). Rethinking Security after the Cold War. Co-operation and Conflicts, 32/ 1.

Christine B.Williams, Jane Fedorowicz, Andrea Kavanaugh, Kevin Mentzer, Jason Bennett,Thatcher,JenniferXu(2018). Leveraging social media to achieve a community policing agenda. Government Information Quarterly, Volume 35, Issue 2, April 2018, Pages 210-222

Patrick Doreian, Norman Conti(2017).Creating the thin blue line: Social network evolution within a police academy. Social Networks, Volume 50, July 2017, Pages 83-97

Rianne Dekker,Puckvan den Brink,AlbertMeijer(2020),Social media adoption in the police: Barriers and strategies. Government Information Quarterly, Volume 37, Issue 2, April 2020, 101441

- Saleh, Alam. (2010), Broadening the Concept of Security: Identity and Societal Security, *Geopolitics Quarterly*. Volume: 6, No 4. P.p: 228-241
- Sheehan, Michael. (2005). *International Security, an Analytical survey*. London, Lynne Rienner Publishers
- Tonry, M. H.(2000),*The Handbook of Crime & Punishment*. Oxford: Oxford University Press
- Karen Bullock(2018),*Social Policy and Society*, Volume17, Issue2,pp.245- 258
- James P. Walsh,Christopher O'Connor(2018),*Social media and policing: A review of recent research*, First published: 08, Citations: 32, Volume13, Issue1, <https://doi.org/10.1111/soc4.12648>
- Liam Ralph(2020),*The dynamic nature of police legitimacy on social media*,*Policing and Society*. Received 29 Oct 2020, Accepted 12 Jul 2021, Published online: 08 Sep.
- Francis D Boateng, Joselyne Chenane(2020), *Policing and social media: A mixed-method investigation of social media use by a small-town police department*, *International Journal of Police Science and Management*, First Published June 2, 2020 Research Article